زنده باد رزمندگان آزادی طبقه کارگر

پیکار خلق

سی ام خرداد ۵۹

۴۳

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

خلق را از نمد دعوای دو دزد کلاهی نیست

در جامعه ایکه سرمایه دار همه چیز است و زحمتکشان هیچ ، دسیسه بازی، رقابت بر سر بدست آوردن مقامهای حساس برای رسیدن به منافع بیشتر و غیره از بارزترین اخلاق اجتماعی حاکم است این چنین خصوصیات بارها از طرف کمونیستهای میهن ما مورد بررسی قرار گرفته و صحت آن ویژگیها در عمل باثبات رسیده است .

اخیراً جناح بنی صدر در رقابتش با حزب جمهوری اسلامی به پخش وانتشار نوارهائی دست زده است که حاوی توطئه هائی علیه بنی‌صدر میباشد .

آنطوریکه جناح بنی‌صدر ادعا میکند این نوارها مدتها پیش بدستشان رسیده و اینک به پخش آن مبادرت ورزیده است . چرا؟ چونکه جناح بنی صدر احساس میکند یکسوی توطئه ها علیه بنی‌صدر است و از این جهت است که می‌خواهند مردم را درکش و قوس این توطئه ها قرار دهند . فراموش نکنیم که بنی صدر تاکنون از تاکتیک مردم را بیاری طلبیدن به دو شکل استفاده کرده است یکی برای خنثی کردن توطئه های رقیبانش و دیگری برای مبارز علیه زحمتکشان و کارگرانی که اولین حقوق خود را خواهانند .

بقیه در صفحه ۲

سیر قهقرائی در سازمان چریکهای فدائی خلق

قسمت دوم

صفحه ۶

پیرامون مسائل انقلاب و مواضع ما

قسمت سوم

در قسمت اول و دوم این مقاله روشن نمودیم که طبقه مسلط اقتصادی در جامعه ما طبقه سرمایه‌داران وابسته بوده و مناسبات حاکم مناسبات سرمایه داری وابسته است . همچنین نشان دادیم که بورژوازی لیبرال بعنوان بخشی از شبکه اقتصاد وابسته محسوب شده و لذا در اردوگاه دشمن محسوب میگردد .

از آنجا که در جوامع نیمه فئودال نیمه مستعمره تضاد بین بورژوازی ملی و امپریالیسم در زمره تضادهای بین خلق و ضد خلق محسوب میگردید و این بورژوازی خصلت دوگانه دارد

بقیه در صفحه ۵

در شصتمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران دستآوردهای آنرا پاس داریم

امروز میهنمان را بحران فزاینده‌ای فرا گرفته است . بحرانی که تا رضایتی توده های بسیاری را بهمراه داشته و بپاخیزیهای انقلابی را چه در کارخانه ها و روستاها و چه در دانشگاهها و.....سبب گشته است . متأسفانه این بپا خیزیها بدلیل عدم وجود حزب راستین طبقه کارگر با افت و خیزهای متفاوت همراه بوده و گاهاً حتی به رکود کشیده میشود .

بقیه در صفحه ۹

دست مرتجعین از زحمتکشان خاک سفید کوتاه

صفحه ۱۴

خلق را متحد کنیم امپریالیسم و عمالش را درهم کوبیم

ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

خلق را از ...

بنی صدر در پخش و انتشار متن نوارهائیکه در روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۲۸ و ۲۹ خرداد ۵۹ به چاپ رسانده است هیچ گاه منافع مردم زحمتکش را مد نظر نداشته ، بلکه از ترس ساقط شدن قدرتش به چنین عملی اقدام نموده است .

سرآغاز توطئه طبق نوار صحبتی که بین آیت ، از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و مخاطب وی انجام میشود ، از دانشگاهها شروع میشود . این توطئه آن چیزی است که به نام انقلاب فرهنگی ، در کلیه مطبوعات وابسته و سخنرانیهای مهره‌های قدرت از آن نام برده میشود .

" این تصمیمی که گرفتیم و در همین اخیراً میخواهد پیاده شود ، این چیزی است که اگر بخواهد به دانشجویی خبر داده شود و زمزمه بشود فوری حریف میفهمد ... الآن استادهای غیر اسلامی بایستی تصفیه بشود .

این زمزمه ای است که بایداز پایین سرو صدایش بلند نشود ... دانشجوها چون دانشجو ، عنوان دانشجو دارد ، بخصوص دبیرستانها را شما باید شروع کنید به کنترل کردن ، بروید درس بدهید ، بحث کنید (هر دبیرستانی دو نفر) ... دانشگاهها به این صورت فعلی باید تعطیل بشود .... "

(انقلاب اسلامی ۲۸ خرداد ۵۹)

از نقل قول فوق درمی یابیم که حزب جمهوری اسلامی توطئه‌هائی را در به آشوب کشاندن دانشگاهها درسر داشته که میبایستی تا روز اجرا مخفی بماند این نقشه شوم بوسیله انقلابیون و کمونیستها افشاء شد . حزب جمهوری اسلامی این نقشه شوم را به اجرا درآورد که منجر به کشته شدن دهها و مجروح گشتن هزاران مبارز انقلابی شد . مقصود این جناح سرمایه داری از چنین عملیات جنایتکارانه‌ای تحت عنوان " انقلاب فرهنگی " تصفیه دانشگاهها از عناصر مبارز ضد امپریالیست است . مطلبی را که استادهای غیر اسلامی می بایستی تصفیه شوند ، در نقشه تصفیه سرتاسری دانشگاهها می گنجد نقشه دیگر این جناح ، ساختن پایگاههای جاسوسی در دانشگاهها ومدارس است . تا زمانیکه چنین نقشه‌هایی به اجرا درنیامده است ، دانشگاهها تعطیل خواهند ماند . این تفکرات پلید ،آن چیزی است که بنام " انقلاب فرهنگی " معروف گشته است .

بنی صدر وجناح وی با این طرحها تا آنجا که به سرکوبی مبارزین ضد امپریالیست و کمونیستها مربوط میشد موافق بودند ، اما بدلیل عدم شرکت آنها در طرحریزی ها واز این طریق سست کردن پایه‌های حکومت بنی صدر ، فغانشان به آسمان رفت . بنی صدر بارها در سخنرانیهایش از تضعیف حکومت بدست " فرصت طلبان" که مقصودش سرکردگان حزب جمهوری اسلامی است ، سخنی بمیان آورده است حزب جمهوری اسلامی وبطور مشخص دکتر آیت برای چگونگی پیاده کردن طرح " انقلاب فرهنگی " شخص خمینی را هم درجریان میگذارد . به این نقل قول توجه کنید :

" ما به چه شکل (برای پیاده کردن انقلاب فرهنگی - پیکار خلق) این شاید هم بعدا اعلام بشود یا چند روز قبل ، متضمن اینستکه امام در زمینه کاملاً قرار بگیرد"

اینکه آیت در این قسمت از نوار میگوید ، زمینه های انقلاب فرهنگی با امام میبایستی در میان گذاشته شود و سپس به اجرا درآید ، هشدار به آن نیروهای مبارز و برخی از نیروهای کمونیستی است که هنوز قادر نگشته‌اند ، جایگاه خمینی و مواضعش را در آن رابطه و در یک ارتباط طبقاتی درک نمایند . اکنون همه نیروهای مبارز و ضد امپریالیست میدانند که " انقلاب فرهنگی " توطئه‌ای بیش نبوده است . کمونیستهای میهن ما با کم و بیش اختلاف نظر بر این اصل بودند که خمینی از ماجرا بخوبی اطلاع داشته است . میدانیم که در سرکوب مبارزان ضد امپریالیست و کمونیست بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی و خمینی هیچ اختلاف نظر وجود ندارد ، اختلاف بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی و خمینی بر سر شیوه‌های سرکوب است . بنی صدر میخواهد با پنبه سر ببرد اما آن دو با شمشیر به جنگ مخالفان میروند . سخنرانیهای تحریک آمیز خمینی روزهای قبل از کشت و کشتار در دانشگاهها ، نشان دهنده چنین شیوه خشن سرکوب است .

آیت معتقد است که بنی صدر و جبهه ملی میخواهند در مقابل خمینی بعنوان یک قطب بحساب آیند ولیکن آنها در این هدف خود با مرگ طالقانی شکست خورده‌اند ، چونکه آنها فاقد شخصیتهائی هستند که قادر باشند قطب قدرتی برای خویش بسازند . و اینها (منظور بنی صدر و جبهه ملی) می‌گفتند آقا متعصب دینی است ، گروهها سیاسی را تشخیص نمیدهد . اینها دو نقشه داشتند ، یک نقشه اینکه همان بلائی که سر کاشانی آوردند ، سر خمینی بیاورند . یک آدم بسازند جلوی خمینی که نتوانستند ..... طالقانی هم که مرد .....و حالا بنی‌صدر ..... (میخواهد پیکار خلق) قدرتی پیدا کند و یک محبوبیتی پیدا کند .....که امام بنی صدر را می‌خواسته ، امام به بنی صدر رای داده ....." همانجا

آیت از آنجائی که خود و حزبش از موضع قدرت یابی برای کسب منافع بیشتر حرکت میکند ، اتفاقاً این مسئله را در بنی صدر بدرستی تشخیص داده است که بنی صدر و جناحش میخواهند یک قطب قوی قدرت شوند و بدون حزب جمهوری اسلامی دسترنج خلق زحمتکش را در جناح خود تقسیم نمایند .از همین جاست که آیت ، بنی‌صدر و جناح او را که قبل از تشکیل مجلس ، نخست وزیر انتخاب کند و کابینه تشکیل دهد را شکست خورده بحساب می‌آورد. آیت ، بنی صدر را با ترکیب مجلس شورایملی میترساند "..... ظاهراً هم شده رئیس جمهور ....چون ابتکار عمل دست مجلسه ،باز مسئله مجلس است" (همانجا) .آیت حق دارد ، چرا که اکثریت نمایندگان مجلس اعضاء و یا طرفداران حزب

بقیه در صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی ایران
www.peykar.org

خلق را از ...

جمهوری اسلامی هستند.

یک نکته را هم در این میان برای روشن شدن ذهن آن خوانندگانی که هنوز فکر میکنند در قانونگزاریها، نمایندگان سرمایه دارها سعی در بیطرف ماندن میکنند، بیان کنیم و اعلام نمائیم که هیچ قانونی و از آن جمله قانون سرمایه داری، حتی سر سوزنی نمیتواند بیطرف طرح شود حتی در گذراندن قانون، حسابگریهای جناحی و غیره هم میشود. به این نقل قول توجه نمائید.

" اگر آن پیش نویس را که آنها (سحابی و .....) درست کرده بودند اگر آن تصویب شده بود اصلاً انقلاب از بین رفته بود. الان بنی صدر رئیس جمهور بود و رئیس جمهور هم همه کاره هم میتوانست مجلس را منحل کند هم دادگستری قضاتش را این منصوب میکرد هم ارتش را زیر فرماندهی داشت.

همه چیز زیر نظرش بود. ما توی این قانون آمدیم. فرمانده کل قوا را دادهایم به رهبر. اگر آن بیاید آنرا نماینده خودش کند این اصل نیست، هر وقت خواست میتواند از ش بگیرد. اختیارات کامل را هم که دادیم به مجلس. رئیس جمهور فقط میتواند مدال بدهد و مدال بگیرد و سفرا را بحضور بپذیرد و السلام، هیچ اختیاری ندارد. بنی صدر تلاش میکند ولی چیزی (اختیاری) ندارد؟" (همانجا)

خواننده از لابلای جملات فوق در میابد که حکومت کردن به طریقه ولایت فقیه در حقیقت تمامی اهرمهای اجتماعی را در دست خود متمرکز نموده است در کشوری چون ایران که مذهب دارای ریشه های عمیق میباشد، ولایت فقیه یعنی حکومت روحانیون بر مردم از ساده ترین و ملموس ترین اشکال حکومتی است که توده های مذهبی بخوبی پذیرای آن هستند.

از آنجائیکه طبق سنت اطاعت کورکورانه از اولی الامر از واجبات است، هیچ اهرم اجتماعی نمیتواند به چرخش در آید تا زمانیکه رهبر یعنی فقیه واجدالشرایط که در انتخاب او به این منصب مردم هیچ دخالتی ندارند، با آن موافقت نمایند.

از این جهت هم هست که قوانین در حول وحوش آن تنظیم میشود. به تمام مراکز تصمیم گیری که حدس نزدیک به یقین زده میشود که میتواند روحانیت در آن اکثریت داشته باشند، قدرت داده میشود و مراکز دیگری را هم که قدرت روحانیت در آن تثبیت شده به نظر نمیرسد، سعی در کنترل می‌نمایند.

پس بیهوده نیست که آیت میگوید بنی صدر هیچ کاره است. اما بنی‌صدر در این جنگ قدرت بر سر منافع نمیخواهد ساکت بنشیند و تا آنجاکه قدرت دارد، سعی میکند ضرباتی را به حریف وارد سازد. وی مثلاً در ابطال انتخابات ساوه کوشش بسیار نمود، اما موفقیت بدست نیاورد. توجه کنید " به ساوه‌ای ها آمده گفته که آره آنها شهرشان وکیل میدهد، همه آمدند رأی دادند به یک نفر که ضد بنی صدر است .....بنی صدر تلاش می‌کند انتخابات را باطل کند. باطل کرد. حتی شورای انقلاب هم پذیرفت دو باره انتخابات بشود همان میشود حرفی توش نیست ....هیچ کاری نمتواند بکند (بنی صدر) با این قانون اساسی، با این شورای انقلاب با این امام مقابلش نگه داشتیم و گفتیم اوضاع از چه قرار است، هیچ کاری نمیتواند بکند. یعنی هرچه سرو صدا کند باعث میشود روز بروز ضعیفتر بشود" (همانجا) آیت کار گزار حزب جمهوری اسلامی میخواهد پایه های حکومت بنی صدر را فقط متزلزل گرداند این حزب فعلا قصد دارد که او را سرنگون سازد. آیت معتقد است که بنی‌صدر در میان دانشگاهیان، روحانیت، حوزه علمیه، در بازار نتوانسته است طرفداران زیادی را بطرف خود جلب کند. کوشش وی در این است که بنی صدر را در همین حالتی که اکنون دارا میباشد نگه دارد. نباید فراموش کرد که حزب جمهوری اسلامی با بد نام کردن بنی صدر قصد دارد برای خود محبوبیت ایجاد نماید.

این حزب از آنجا که واقف بر پائین بودن سطح آگاهی مردم است، میخواهد سوء استفاده از این واقعیت حاکمیت روحانیت را بر سر نوشت آنها جاودانه سازد. زیرا وی بخوبی میداند که آسانترین شکل استثمار زحمتکشان و رسیدن به ثروت های افسانه ای، مخفی شدن در پشت روحانیت است. بر مبنای این تفکر است که از هم اکنون حزب در پی یافتن جانشین برای خمینی میباشد این حزب آیت الله منتظری را برای این کار انتخاب نموده است و معتقد است که " الان برنامه تان روی منتظری باشد، عکسش را ببرید و حرفش را بزنید. توی سخنرانی نامی از ش ببرید تمام اینها باید صحبتی از منتظری باشد منتظری روز بروز بزرگتر میشود که اگر اتفاقی برای امام پیش آمد، دیگر خیلی کار نداشته باشیم" (انقلاب اسلامی ۲۹ خرداد ۵۹) این حزب با تراشیدن شخصیتهائی در حقیقت میخواهد برنامه های این جناح از سرمایه داری را که خود به آن وابسته است تقویت بخشد. این حزب غافل از آن نیست که در ارتش آن چنان پایه محکمی ندارد و ارتش بیشتر جانب جناح بورژوا - لیبرال بنی‌صدر را بدور خود جمع کرده است بنابراین سعی در قدرت بیشتر بخشیدن به سپاه پاسداران و توسعه دادن آنرا دارد. حزب جمهوری اسلامی علاوه بر دارا بودن ارگانهای مسلح آشکار دست به تشکیل ارگانهای مسلح مخفی هم زده است " سعی کنید درز هم ندهد .....کار ما هم عمدتاً الآن سیاسی است. یعنی افراد باید بدانند تبلیغات سیاسی، جهت گیری سیاسی چیست .....ولی باید روز مبادا را هم فکرش را بکنیم که بخواهیم حمله کنیم. ما باید آموزش داشته باشیم .....شما باید آموزش نظامی ببینید" (همانجا).

فکر میکنید حزب جمهوری اسلامی این چنین دستجات سیاسی - نظامی را که مخفی هم هستند برای چه میخواهد؟ برای سرنگون کردن حکومت سرمایه‌داران که خود جزئی از آن است؟ و یا

بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی انقلاب دمکراتیک ملی خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خلق را از...

عمدتاً برای سرکوب نیروهای مبارز و کمونیست ، برای سرکوب خواسته های کارگران ودهقانان ؟ و گاهاً برای تصفیه حساب با رقیبان سیاسی اش ؟ جواب روشن است عمدتاً برای سرکوب خواسته های خلقهای ستمدیده ایران و گاهاً برای تصفیه حساب با رقیبان سیاسی اش .

حزب جمهوری اسلامی برنامه دقیقی را برای آینده طرح ریزی نموده است. پروراندن کادر و شخصیتهای سیاسی که در حال حاضر حزب فاقد آن است در رئوس برنامه های حزب قراردارد بر همین مبنی با تمام جنگ قدرتی که با بنی صدر دارد حاضر است که او چهار سال دوام بیاورد ، حاضر است که مسئولیتهای اجرائی را کمتر بعهده بگیرد و آنها را بیشتر به طرفداران بنی‌صدر واگذارد تا از یک طرف وقت بیشتری برای پروراندن کادرها داشته باشد و از طرف دیگر عموم مردم نارضایتی هایشان را بگردن طرفداران بنی‌صدر بگذارند و باعث تضعیف آنان گردند . جنگ و نزاع دو جناح سرمایه داری بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی ، دعوا بر سر تأمین منافع زحمتکشان کشور ما نیست . دعوای اینها هم چنانکه گفته شد بخاطر دستیابی بمنافع بیشتر و قدرت بیشتر میباشد . این دو حاضرند برای دستیابی به منافع از خلقهای ایران گوشت دم توپ بسازند . آنها حاضرند برای کسب منافع ، خلقهای ایران را بجان هم بیاندازند ، اغتشاش ایجاد نمایند ، امنیت زحمتکشان را از بین ببرند ، دست به ترور بزنند و ..... تا اینکه بالاخره یک جناح بتواند بطور نسبی و یا مطلق قدرت را بیشتر در دستش متمرکز کند .

خلقهای ما باید بدانند ، زمانیکه مواد مصرفی و خوراکی هر روز گرانتر میشود ، بی مسکنی بی بهداشتی و بیکاری غوغا میکند ، وابستگی اقتصادی هنوز پابرجاست ، این دو جناح بدون آنکه به کوچکترین خواسته های خلق ما رسیدگی کنند ، شمشیر بدست بجان هم افتاده اند و در این راه فقط زحمتکشان کشور ما هستند که فدای جاه طلبی های این یا آن جناح خواهند شد . ما میگوئیم فقط در پناه کسب آگاهیهای سیاسی که منافع زحمتکشان را در بردارد میتوان از آلت دست شدن این جناح و یا آن جناح در امان بود . فقط با از بین بردن سیستم سرمایه‌داری است که زحمتکشان میتوانند سرنوشت خویش را بدست گرفته و آلت دست این جناح سرمایه داری و یا آن جناحش نشوند .

بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی به دروغ خود را رسولان خوشبختی ملت میدانند . آنها فقط خوشبخت کننده خود و طبقه سرمایه دار ایرانند و بس .

پیرامون مسائل...

سرنگونی قدرت سیاسی را به عنوان مسئله ای که تنها از نظر تاکتیک و در آینده دور مطرح است و برای سیاست کنونی دارای اهمیت نبوده و سیاست کنونی بر پایه آن تدوین نمیگردد ، در نظر گیرد ، اپورتونیسم راست میباشد .

بطور خلاصه بگوئیم چگونگی برخورد به قدرت سیاسی حاکمه و چگونگی تدوین سیاست و برنامه بر این اساس ، یکی از مسائل مهم و اصولی برای وحدت جنبش کمونیستی بوده و هر گونه مسکوت گذاردن این موضع و یا سازش بر سر آن اپورتونیستی وغیر اصولی میباشد.

دست مرتجعین از...

حامی سیستم سرمایه داری وابسته ، دولت سرمایه داران یعنی دولت ضد خلقی کنونی نیز بالاخره نزد مردم و نزد آنهائی که هنوز چشم امید به آن دارند افشاء شده و به جزای اعمالش میرسد . آن روز زیاد هم دور نیست این امر را بخوبی میتوان از همین واقعه خاک سفیدوبر خورد مردم در یافت .اکثریت قریب به اتفاق جمعیتی که در این جریان حضور داشتند عملاً پاسداران و کمیته چی ها را در مقابل خواست بحق خود دیدند این امر بارها اتفاق افتاده است و هر بار بر خورد مردم نسبت به دفعه قبل آگاهانه تر نمایان میشود. اگر دفعات قبل به نوشتن عریضه و دادنامه قناعت میکردند، این بار دیگر به این جنبه های غیر عملی دل خوش نکرده ، بلکه شخصاً با جسارت و شهامت انقلابی جلوی مسلسلهائی که تا چندی قبل بدست مامورین گارد ارتش بود و حالا بدست پاسداران و کمیته چیهای امام افتاده و همان استفاده را که آنها میکردند اینها نیز میکنند، ایستاده و بخوبی دیدیم که مسلسل در دست این مزدوران نیز زمانیکه مردم یکپارچه و متحد و قاطع درمقابل آنها ایستادند کاری از پیش نبرد، پاسداران و کمیته چیها دست از پا دراز تر به لانه های خود خزیدند. اما این هنوز کافی نیست هنوز مردم زحمتکش نوک تیز اسلحه خود را بطرف عاملین اساسی سرکوب نشانه نمیگیرند. آنها در صحبتهایشان میگفتند : باور کنید امام و رئیس جمهور از این جریانات اطلاع ندارند اگر چه عده ای بخاطر همرنگ جماعت بودن این حرفها را میزدند ، اما به هر حال هنوز عده زیادی واقعاً آگاهی ندارند که اتفاقاً قضیه بر عکس است یعنی اینکه این مامورین با دستور از بالا یعنی با آگاهی وتأئید و فتوای امام و رئیس جمهور و دیگر ارگانهای دولتی است که بمردم زحمتکش یورش آورده و آنها را سرکوب میکنند.

درپخش
پیکارخلق
مارا یاری رسانید

جنگ علیه خلق کرد، جنگ علیه خلقهای ایران است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ء کارگر
www.iran-archive.com

پیرامون مسائل ...

لذا طبیعی است که در تحت شرایط معینی در دولت دمکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا شرکت نماید . اما در جامعه سرمایه داری وابسته ما بورژوازی لیبرال نه تنها نمتواند در دولت دیکتاتوری خلق سهیم گردد بلکه نسبت به وی حتی دیکتاتوری اعمال میشود . بنابراین دولت دمکراتیک خلق نه تنها سرمایه بزرگ وابسته را اجتماعی می‌نماید ، بلکه از بورژوازی لیبرال نیز سلب مالکیت میکند . شکی نیست که انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی ما وظائف دو گانه : دمکراتیک و سوسیالیستی را پیگیری مینماید . از آنجا که سرمایه داری وابسته سیستم مسلط را تشکیل میدهد و سرمایه داری سابقاً ملی را بدرون خود جذب کرده وجمهوری دمکراتیک خلق این مجموعه را اجتماعی می‌نماید ، لذا جنبه سوسیالیستی اقتصاد دمکراسی نوین در جامعه ما نسبت به آنچه که مثلاً در چین انجام گرفت برجستگی خاص دارد . طبیعی است که این امر بمفهوم فراموش کردن وظائف دمکراتیک انقلاب جنبه دمکراتیک اقتصاد دمکراسی نوین نمی‌باشد . از آنچه که گفتیم بوضوح چنین نتیجه میشود که انقلاب ایران مستقیماً متوجه بر انداختن سیستم اجتماعی کنونی و بر قراری جمهوری دمکراتیک خلق میباشد . این مبارزه یک انقلاب عمیق اجتماعی میباشد که صف بندی مشخص طبقاتی را ترسیم می‌نماید . هیئت حاکمه کنونی درراًس این نظام قرار گرفته است و قدرت سیاسی آنرا تشکیل میدهد . امروز دیگر کاملاً روشن گردیده که هیئت حاکمه پاسدار و حافظ اصلی این نظام است . سیاستهای هیئت حاکمه تماماً در خدمت مرمت و حفظ این نظام ، حفظ اقتصاد وابسته به امپریالیسم میباشد . هیئت حاکمه کنونی به هیچ وجه خواهان رهائی میهن از یوغ اقتصادی ـ سیاسی امپریالیسم نیست زیرا بدون دست زدن به پایگاه اجتماعی امپریالیسم یعنی سرمایه داری وابسته نمی‌توان به سلطه امپریالیسم پایان بخشید . این حقیقت که هئیت حاکمه کنونی دست نشانده و سگ زنجیری امپریالیسم امریکا نیست بهیچ وجه نمیتواند بدان مفهوم باشد که این رژیم مترقی و یا استقلال خواه است. وضعیت این رژیم در مقطع کنونی چنین است که میخواهد در چهارچوب حفظ وابستگی اقتصادی دارای "آزادی" سیاسی باشد . از آنجا که آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی اصولاً امکان پذیر نیست ، لذا این "آزادی" سیاسی عملاً بدان گونه در آمده که رژیم کنونی تا اندازه ای آزاد است که به کدام امپریالیسم و یا جناحی از امپریالیستی بیشتر و یا کمتر خدمت نماید و دست آن را در غارت وچپاول دسترنج زحمتکشان میهن ما باز گذارد.

بنابراین " آزادی " سیاسی رژیم کنونی در واقع آزادی انتخاب غارتگر است و نه آزادی رهائی از چنگ غارتگران امپریالیستی . مارکسیسم بما می‌آموزد که انقلاب اجتماعی یعنی دگرگونی عمیق و پایه ای در مناسبات اجتماعی که طی آن طبقه حاکم سرنگون میشود مناسبات و پایه‌های اقتصادی آن نابود میگرددو طبقه مترقی جدید جایگزین آن میشود و مناسبات اجتماعی نوین را بر قرار میسازد . مارکس و انگلس در جمع‌بندی از تجارب کمون پاریس گفتند که انقلاب باید در مسیر خود نه فقط ماشین دولتی را از دست طبقه حاکمه خارج نماید ، بلکه باید این ماشین دولتی را خرد کرده و درهم شکند زیرا که این دستگاه دولتی ارگان سرکوب طبقه ستمکش بدست طبقه ستمگر بوده است . بنابراین با حرکت از این اعتقاد که مناسبات اجتماعی حاکم در میهن کماکان مناسبات سرمایه داری وابسته است و هئیت حاکمه کنونی قدرت سیاسی مستقر برآنست دقیقاً به این نتیجه میرسیم که انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما که مستقیماً متوجه بر انداختن این مناسبات سرمایه داری وابسته است باید در قدم بلافاصله خود رژیم کنونی را سرنگون ساخته و ماشین دولتی را در هم شکند . محتاج به اثبات نیست که ما امروز در مرحله محاصره دژ دشمن هستیم و نه تسخیر آن . کاملاً روشن است وقتی که ما مسئله سرنگونی را مطرح میکنیم منظورمان آن نیست که همین امروز باید و یا میتوان آن را متحقق ساخت ، خیر برای متحقق کردن عملی این استراتژی احتیاج به شرایط عینی و ذهنی لازم است احتیاج به آن است که اکثریت توده ها بسیج و متشکل شده و مصمم به انجام آن باشند و پیشقراول پرولتاریا به کمونیسم جذب شده و رهبری پرولتاریا تأمین باشد ، احتیاج به آن است که تضاد در بین خود بالائیها وبین بالائیها و پائینیها آنقدر حدت یافته باشد که دیگر بالائیها نتوانند و پائینیها نخواهند ، اما چرا ما امروز مسئله ضرورت سرنگونی را به پیش میکشیم و چه درکی ازآن داریم ؟ ما معتقدیم که هرگونه مشی و برنامه مارکسیستی ـ لنینیستی باید بر محور ضرورت سرنگونی قدرت سیاسی و انهدام مناسبات اجتماعی حاکم تدوین گردد و فراهم آورد ن شرائط برای عمل نمودن آن اساس برنامه را باید تشکیل دهد .کلیه کارهای تبلیغی و ترویجی ، بسیج و سازماندهی بر محور این ضرورت انجام گیرد . به اعتقاد ما هرگونه طفره رفتن از این اصول ، تحت هر محمل تئوریکی هم که باشد الزاماً ما را به اپورتونیسم و رفرمیسم میکشاند وقتی که میگوئیم ما در مرحله محاصره دژ دشمن هستیم این درست بمفهوم تدارک برای تسخیر دژ دشمن میباشد بنابراین کلیه برنامه ها و کارهای تبلیغی ، ترویجی و سازماندهی باید بخاطر تسخیر دژ دشمن یعنی انهدام سیستم حاکم موجود ، سرنگون نمودن قدرت سیاسی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق ، تنظیم گردد. هرگونه نظریه ای که تحت عنوانی از قبیل چون این رژیم وابسته نیست چون بورژوازی ملی دارای خصلت دوگانه میباشد ، چون این رژیم برخی قرار‌دادها با این یا آن امپریالیسم را قطع کرده و امثالهم بخواهد مسئله

بقیه در صفحه ۴

ننگ و نفرت بردار و دستهٔ خائن حزب توده نوکر سوسیال امپریالیسم روس

www.peykar.org

سیر قهقرائی در "سازمان چریکهای فدائی خلق" (۲)

ما در شماره پیش "پیکار خلق" نشان دادیم که چگونه رهبری سازمان چریک های فدائی خلق دولت را از محتوای طبقاتی آن تهی کرده ، آن را از مناسبات اجتماعی حاکم و طبقه مسلط اقتصادی جدا ساخته و آن را درماوراء طبقات قرار داده است ، تا اینکه بتواند در سیاست هرگونه مماشاتجوئی با آن را موجه جلوه دهد .لنین کاملاً حق داشت وقتی که گفت :"مسئله اساسی در هر انقلاب مسئله برخورد به قدرت سیاسی است" و یا در جای دیگر:

"دمکراسی خرده بورژوازی هرگز قادر به درک این مطلب نیست که دولت ارگان سیادت طبقه معینی است که با قطب مقابل خود (طبقه مخالف) نمی‌تواند آشتی پذیر باشد ،روش نسبت به دولت یکی از بارز ترین نکاتی است که نشان میدهد سوسیال رولوسیونرها و منشویکهای ما به هیچوجه سوسیالیست نبوده ، بلکه دمکراتهای خرده‌بورژوا هستند که با جمله پردازیهای شبه سوسیالیستی مشغولند ."

این حکم لنینی درست علیه کلیه رویزیونیستها و اپورتونیستها بود زیرا که کار ارتداد و خیانت رویزیونیستها در طول تاریخ همواره از تحریف تئوری مارکسیسم راجع به مسئله قدرت سیاسی شروع شده است سرنوشت کائوتسکی و سایر رویزیونیست های انترناسیونال دوم درست از آنجا به ارتداد کامل کشیده شد که آموزشهای مارکس در باره دولت را تحریف نموده و آنرا از ماهیت طبقاتی تهی نمودند . درست در آستانه جنگ جهانی اول ، آنجا که تضادهای طبقاتی به بارز ترین نحوی خود نمائی میکرد، رویزیونیستها ماهیت طبقاتی دول محارب که دول سرمایه داری امپریالیستی بودند را انکار نموده ، ماهیت جنگ امپریالیستی که جنگ سرمایه‌داران سرمایه بر سر تقسیم برده‌گی بود را تحریف کرده و در زیر پرچم دفاع از میهن ، به دفاع از دولت بورژوائی " خودی " پرداختند و در پارلمان به اعتبارات جنگی رأی مثبت دادند . سران انترناسیونال دوم از پاسخ به این مسئله اساسی که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه است و دولت موجود ارکان سیادت کدام طبقه میباشد تحت شعار " دفاع از میهن "، سر باز میزنند و عملاً به دفاع از بورژوازی که طبقه مسلط اقتصادی بود برخاستند و کارگران را دعوت نمودند که در صف بورژوازی " خودی " بجنگند .رویزیونیستهای خروشچفی نیز با به پیش کشیدن تز دولت " تمام خلقی " و حزب " تمام خلقی " به نفی محتوی طبقاتی دولت دیکتاتوری پرولتاریا پرداخته سپس با تحریف ماهیت طبقاتی دول امپریالیستی و در زیر لوای " مسابقه مسالمت‌آمیز " همکاری همه جانبه را با بورژوازی امپریالیستی شروع نمودند و آشتی طبقاتی را تجویز کردند .

رویزیونیستهای خروشچفی با تحریف در ماهیت طبقاتی دولتهای بورژوا امپریالیستی ، های تحت‌سلطه امپریالیست ، پرولتاریا و خلقهای جهان را به همکاری با بورژوازی دعوت نمودند . رویزیونیستهای سه جهانی نیز با نفی ماهیت طبقاتی دولتهای کشورهای نیمه فئودال - نیمه مستعمره و سرمایه داری وابسته ، پرولتاریا و خلقهای جهان را به همکاری با دولتهای به اصطلاح " جهان سوم " فرا خواندند . چگونگی برخورد به مسئله دولت تعیین کننده چگونگی مبارزه طبقاتی است و بهمین دلیل بود که لنین گفت در اینجا ایده اساسی مارکسیسم در مورد نقش تاریخی و اهمیت دولت با وضوح کامل بیان شده است ..... در همین مهمترین و اساسی ترین نکته است که تحریف در مارکسیسم آغاز میشود و در دو جهت عمده عریان می‌باشد. وی همچنین افزود کسی که فقط مبارزه طبقاتی را قبول داشته باشد هنوز مارکسیست نیست و ممکن است هنوز از چهارچوب تفکر بورژوائی خارج نشده باشد ..... مارکسیست فقط آن کسی است که قبول نظریه مبارزه طبقاتی را تا قبول نظریه دیکتاتوری پرولتاریا بسط دهد. وجه تمایز کاملاً عمیق بین یک خرده‌بورژوای عادی (و همچنین بورژوازی بزرگ) با یک مارکسیست در همین نکته است . با حرکت از این احکام لنینی بخوبی میتوان دریافت که رهبری "سازمان چریکهای فدایی " (اکثریت) در برخورد به دولت رژیم جمهوری اسلامی در کدام مسیر حرکت می‌کنند ، در مسیر مارکسیسم یا در مسیر رویزیونیسم ؟ رهبری سازمان چریکهای فدایی(اکثریت) هیچگاه به این سوال مشخص که قدرت سیاسی کنونی در دست کدام طبقه است و طبقه مسلط اقتصادی کیست ، پاسخ روشن نمی‌دهد . رهبری سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) در حالی که از "طبقه سرمایه‌دار ایران " صحبت میکند اما به هیچ وجه آنرا بمثابه پایگاه اصلی امپریالیسم ، بمثابه طبقه مسلط اقتصادی که قدرت سیاسی را در دست دارد و به یاری دولت وسائل نوینی برای سرکوب و استثمار زحمتکشان به دست آورده ، درنظر نمی‌گیرد و بدین طریق مبارزه علیه این طبقه و امپریالیسم را از مسئله دولت جدا مینماید آنها مبارزه علیه سرمایه‌داری وابسته را به مبارزه علیه عناصر رسوائی مثل بختیار و نزیه و ..... که در خارج از مرزهای ایران بوده و احیاناً به محافل نامعلومی در درون هیئت حاکمه که گویا " فاقد هر گونه تجربه سیاسی بوده " (البته در عرض این شانزده ماه در زمینه سرکوب خلق تجارب سیاسی زیادی کسب کرده)خلاصه می‌کنند و می‌نویسند:

" امروز کاملاً آشکار است که تلاش امپریالیسم امریکا برای تحمیل یک سیاست معین توسط مهره‌های خود در درون حاکمیت با شکست روبرو شده است. از این رو در شرایط کنونی جهت گیری عمده امپریالیسم ، اعمال فشارهایی از بیرون است . از همین روست که امروز ما شاهد آنیم که از یک

بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست

www.peykar.org

سیر قهقرائی در...

سو عناصری از محافل سرمایه‌دار ان لیبرال امثال بختیار و نزیه بـــا حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی و به یاری شبکه‌های وسیع تبلیغاتی امپریالیسم دست به تبلیغات گسترده علیه حکومت کنونی زده ...."

(" کار "۵۹)

آیا براستی تلاشهای امپریالیسم امریکا برای تحمیل یک سیاست معین توســط مهره‌های خود با شکست روبرو شده است؟ اولاً باید گفت که امپریالیست احتیاجی به تحمیل سیاست ندارد زیرا که سیاستهای وی در ایران در متن نظام وابسته کنونی نهفته و سرمایه دار ی وابسته به امپریالیسم به اقتضای طبیعت خود آنرا اجرا میکند وتحمیلی در کار نیست. دوماً آیا سرکشی بـه کردستان و کشتار خلق کرد ، برنامه‌های گسترده‌ای که در سرتاسر ایـران جهت سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی هر روز به نحو شدیدتری بموقـع اجرا گذاشته میشود ، غیر قانونـی کردن تمام تشریات مترقی ، کشتـار دانشجویان انقلابی و کارگران پیکار ، تهاجم وسیع به نیروهای انقلابی،سرکوب دهقانان و مسلح کردن مالکین بـزرگ ارضی و خوانین و دهها بل صدها نمونه دیگر از این قبیل در خدمت امپریالیسم نمی‌باشد؟ آیا قرار گرفتن مهمترین ارکانهای سرکوبگر در دست فلاحی‌هـا ، ظهیرنژادها ، شادمهرها و ....بمفهوم شکست امپریالیسم است ؟ براستی کـه چنین ادعائی یا نشانه سفاهت است ویا نشانه آستان سائی در پیشگاه بورژوازی. سوماً از نقل قول فوق چنین مستفاد میشود که گویا امپریالیسم برای بـه موقع اجرا گذاشتن سیاستهای خود بـه افراد و مهره ها متوسل میشود و نـه به یک طبقه اجتماعی . آیا چنیـن نظراتی درست است ؟ مسلماً خیر .زیرا که امپریالیسم بمثابه یک پدیـده اجتماعی نه بر افراد،بلکه بر یـک طبقه اجتماعی تکیه دارد . نفـوذ امپریالیسم در جوامع تحت سلطه ، عمل کردهای صدور سرمایه و الیگارشی مالی گردش سرمایه های امپریالیستی د ر بازار اقتصادی هرگز نمیتواند برپایه وجود عناصر و یا محافل انجام گیـرد. یک چنین حکمی تنها میتوانست در مورد نخستین تلاشهای سرمایه داری دراواخر قرن گذشته و آنهم تا اندازه ای صادق باشد ، عمل کرد امپریالیسم د ر جوامع تحت ستم تنها و تنها از طریق داشتن پایگاه اجتماعی یعنی تکیه بر یک طبقه معینی در جامعه امکان پذیر است . این طبقه معین در جامعه ما همانا طبقه سرمایه دار وابستـــه میباشد و مناسبات سرمایه داری وابسته حافظ اصلی پایه های اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم در ایـــن جوامع میباشند . مهره ها و محافـل حکومتی تنها و تنها کار گذاران و مجریان تقاضاها و مطالبات عینـی این سیستم و این طبقه میباشنـــد. موجودیت این سیستم و این طبقه تعیین کننده موجودیت و مقام اجتماعـی مهره ها ، عناصر و محافل حکومتـی میباشد و نه بر عکس . درست بدیـن خاطر است که مهره ها و محافل حکومتی مدام در حال تغییر و تعویـض میباشند . کابینه هائی ساقط میشوند وزرا و وکلائی معزول میشوند، کابینه‌های جدید و افراد جدید سر کـار میآیند،اما هیچگونه تغییری در نظام اجتماعی و مناسبات تولیدی حاصـل نمیکردد. از اینجا چنین نتیجـه میشود که اعمال نفوذ و سیاستهای امپریالیسم را صرفاً منوط به وجـود این یا آن مهره کردن و در عین حال کشیدن برگ ساتر بر ماهیت طبقاتـی دولت و گریز از این حکم مارکسیستی که اگر مناسبات سرمایه داری وابسته حاکم است ، بر وفق قاعده کلی طبقـه سرمایه دار وابسته طبقه مسلط اقتصادی بوده که به برکت این تسلط اقتصادی ، قدرت سیاسی حاکم را در دست دارد و سپس مبارزه علیه امپریالیسم را د ر مبارزه علیه محافل و عناصر پراکنده خلاصه کردن ، تنها و تنها یک سفسطـه رویزیونیستی میتواند باشد .

فهم این مطلب مشکل نیست که امپریالیسم بوسیله طبقه سرمایه دار و در چهار چوب مناسبات سرمایه داری وابسته در میهن ما حضور دارد و لذا مبـارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیـه سرمایه داری وابسته جدا نبوده ومبارز علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته یک کلیت واحد را تشکیل می دهد. دولت کنونی نیز علیرغم آنچه کـه در حرف مدعی است ، در واقع امر مدافـع و حافظ همین نظام وابسته بـــه امپریالیسم بوده و قدرت سیاسی حاکم بر این نظام بوده و لذا بر خـــلاف سفسطه های رویزیونیستی حزب"تـــودهٔ و " کار " ۵۹ سمت گیری اصلـــی امپریالیسم جهانی در جهت حفظ آن میباشد . برای برقراری سلطه امپریالیسم در یک کشور تحت ستم اجباراً لازم نیست یک رژیم کاملاً دست نشانده و سگ زنجیری بر سر کار باشد . براستی آیا نگارندگان"کار " ۵۹ از خود نمی‌پرسند کـه صدها تماس و رابطه مستقیم و غیـر مستقیم ، آشکار و پنهان که بیـن سران حکومتی جمهوری اسلامی و زبده‌ترین سیاستمداران جهان امپریالیستی مثل برژنسکی ، کلارک ، کریسکی ، پالمـه و غیره بخاطر سرنگون کردن ایـن حکومت بوده و یا تلفیق و همکـون کردن سیاستها ؟ آیا سیاستهای سـر-کوبگرانه رژیم کنونی در جهت حفـظ نظام وابسته به امپریالیسم میباشد و یا در جهت تضعیف آن؟ اینکه امپریالیسم امروزه مشکل میتواند در مقابل بیداری توده‌های مردم به همان اشکال سابق یعنی تکیه بر دیکتاتوری عریان فاشیستی سلطه خویش را حفظ کندو به دنبال اشکال ظاهر فریبی ار شیـوه حکومتی میباشد و تا حال چند نمونـه آنرا در پرتغال و یونان و غیره تجربه نموده ، هرگز نمی‌تواند مارا به ایـن نتیجه برساند که گویا چنین حکومتهای ظاهر فریبی که نمای " ضد امپریالیستی" نیز بخود میگیرند، واقعاً ضدامپریالیست بوده و بالطبع پرولتاریا نمی‌تواند به تأیید و پشتیبانی از آنها برخیزد. تنها رویزیونیستهـا هستند که با لاپوشی کردن ماهیـت طبقاتی دولت و سیاستهای سالوسانه به جانبداری از بورژوازی پرداخته و هدفشان سهیم شدن در قدرت سیاسـی بورژوازی است . حزب"تودهٔ بمثابـه مهمترین تجلی رویزیونیسم خروشچفی و

بقیه در صفحهٔ ۸

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سیرقهقرائی در ...

کارگزار سوسیال امپریالیسم روس همواره چنین سیاستی را دنبال کرده است.

عدم مرزبندی روشن ایدئولوژیک با رویزیونیسم الزاماً موجب عدم مرزبندی دقیق در سیاست و پیشبرد مبارزه طبقاتی میگرددو این عدم مرزبندی سیاسی- ایدئولوژیک در فراز و نشیب انقلاب با پیچیده شدن مبارزه طبقاتی به نزدیکی ایدئولوژیک سیاسی میانجامد. زیرا که رویزیونیسم به مفهوم تجدید نظر طلبی در اصول مارکسیسم - لنینیسم‌که مبین ایدئولوژی پرولتاریا است، بوده وبیک ایدئولوژی بورژوائی در دامان طبقه کارگر میباشد. بنا بر این عدم مرزبندی ایدئولوژیک- سیاسی با رویزیونیسم یعنی عدم مرزبندی با ایدئولوژی بورژوائی. پس طبیعی است‌که جریانهایی که در جنبش کمونیستی بوجود می‌آیند، اما دارای مرزبندی ایدئولوژیک - سیاسی روشن و قاطع با رویزیونیسم نیستند، این ایدئولوژی را در دامان خود حمل‌میکنند. از آنجاکه سازش بین ایدئولوژیهای دو طبقه متخاصم پرولتاریا و بورژوازی بویژه در عصر امپریالیسم جزء لامهالات است، لذا در پروسه انکشاف مبارزه طبقاتی بویژه در شرایطی که این مبارزه اشکال حادتری بخود می‌گیرد، یا رویزیونیسم یعنی تجلی ایدئولوژی بورژوازی بطور کامل غلبه می‌یابد و به ایدئولوژی حاکم در آن جریان سیاسی مفروض تبدیل می‌گرددو یا اینکه کار به مرز بندی قطعی با رویزیونیسم درتمام ابعاد ش انجامیده و ایدئولوژی پرولتاریائی بر ایدئولوژی بورژوائی فائق میآید. درست بر این پایه بود که ما در ارزیابی از سازمان چریکهای فدائی خلق در پیکار خلق شماره ۲۵ گفتیم یا با مارکسیسم-لنینیسم علیه رویزیونیسم، یا با رویزیونیسم علیه مارکسیسم-لنینیسم، راه‌سومی نیست. از آنجا که رویزیونیسم خروشچفی در تکامل خود به احیای همه جانبه سرمایه‌داری در شوروی انجامید و شوروی سوسیالیستی را به یک کشور سوسیال امپریالیستی‌تبدیل نمود، لذا ابعاد مرزبندی با رویزیونیسم خروشچفی گسترش یافته و منوط به مرزبندی روشن و دقیق در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی میگردد.

سازمان چریکهای فدائی خلق هیچگاه دارای مرزبندی ایدئولوژیک روشن و دقیقی در مقابل رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم روس نبود. بعد از غلبه مشی جزنی در سازمان، سیاست ها و مواضع سازمان بیشتر با سیاستها و مواضع حزب"توده" نزدیکی پیدا کرد و هر دو بر یک استراتژی رویزیونیستی که به صورت "نبرد با دیکتاتوری" فرمول بندی شده بود، فصل مشترک یافتند. تزهای جزنی در تحلیل از رژیم فاشیستی نفی کامل تئوری مارکسیسم در زمینه دولت بود. این تزها دیکتاتوری فاشیستی شاه را بمثابه دیکتاتوری فردی شاه تلقی میکرد و آن را بمثابه دیکتاتوری یک طبقه یعنی طبقه بورژوازی کمپرادور در نظر نمیگرفت. پس از قیام، سازمان چریکهای فدائی با طرح "حاکمیت خلق" درک غیر مارکسیستی خود را از دولت به نمایش گذاشت و اینک رهبری این سازمان که متأسفانه گویا اکثریت را نیز بدنبال خود دارد، در تکامل مواضع رویزیونیستی و ضد مارکسیستی قبلی به منجلاب رویزیونیسم در سیاست عمومی در غلطیده است. بنابراین ما نمی‌توانیم سیاست و مشی رویزیونیستی رهبری این سازمان را جدا از مواضع قبلی آن چه در زمینه عدم مرز بندی با رویزیونیسم خروشچفی و سوسیال امپریالیسم روس و چه در زمینه استنباط رویزیونیستی از آموزش مارکسیسم راجع به دولت، در نظر بگیریم. شیر قهقرائی رشد رویزیونیسم در سازمان چریکهای فدائی یک بار دیگر صحت این نظریه را نشان داد که مرزبندی با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم تا چه اندازه برای مبارز طبقاتی پر اهمیت میباشد.

تجربه منفی در سازمان چریکهای فدائی خلق به وضوح نشان داد که مبارزه علیه امپریالیسم جدا از مبارزه علیه رویزیونیسم بیهوده و نیست و تزلزل در مقابل رویزیونیسم چنانچه اصلاح نشود به تزلزل درمبارزه علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن یعنی ارتجاع و سرمایه داری وابسته میانجامد.

بنابراین درسی که جنبش کمونیستی میهن ما از این تجربه منفی میگیرد از جمله آن است‌که بیش از پیش مبارزه ضد رویزیونیستی را دامن زده و علیه هر گونه تزلزل درمقابل رویزیونیسم (چه نوع خروشچفی آن و چه ازقماش سه جهانی)، علیه هر گونه تزلزل و پا پس‌کشیدن در مقابل تئوری سوسیال امپریالیسم قاطعانه بمبارزه بر خیزد.

امروزه اگر چه بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق تحت نام "اقلیت" بدنبال مشی رویزیونیستی رهبری و "اکثریت" نرفته اند، اما این رفقا تنها زمانی قادر به مرز بندی قطعی و همه جانبه با رهبری و "اکثریت" هستند که مواضع خود را در زمینه رویزیونیسم و تئوری سوسیال-امپریالیسم اصلاح نموده و بر تئوری مارکسیسم - لنینیسم بایستند.

دست مرتجعین از...

نداشتند، اونها حتی جرات دفاع کردن هم نداشتند. اگر چه نمیتوانستند هم دفاع بکنند برای اینکه حق با مردم بود. راننده ماشین منتظر فرصت بود تا هرچه زودتر ماشین و پاسدارها رو از شر خشم انقلابی مردم خلاص کند. در همین موقع یکی دو نفر از میان مردم گفتند: ما که کار خودمونو میکنیم بذارین برن گمشن پی کارشون.و بالاخره راننده گاز داد و از مهلکه خودش روخلاص کرد. هنوز ماشین چند متری دور نشده بود که عده ای با اعتراض میگفتند که: کاش اقلاً یکشونو گروگان نگه میداشتید و به

بقیه در صفحه ۱۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

درشصتمین سالگرد ...

فقدان ستاد آهنین طبقه کارگر موجب آن میشود که ایدئولوژی بورژوازی از طریق عمال مستقیم و غیر مستقیم بورژوازی و بخصوص بوسیله رویزیونیستها ، در درون طبقه کارگر نفوذ کرده و ضمن هرز دادن انرژی انقلابی کارگران دلاور میهنمان ، آنها را به سازش با بورژوازی بکشاند . درچنین شرایطی ، ایجاد حزب کمونیست بمثابه یگانه سکان کشی انقلاب ایران، بیش از پیش ضرورت می‌یابد .کمونیستهای میهنمان موظفند ضمن توجه وافر به این امر ، مبارزات کمونیستهای میهنمان را در زمانهای پیشین سر مشق خود قرار داده و از تجارب حزب کمونیست ایران (عدالت) برای پیشبرد انقلاب دمکراتیک ـ ملی و رهگشایی بسوی سوسیالیسم ،استفاده کرده وبادرس اندوزی از اشتباهات گذشته ، از تکرار مجدد آن بپرهیزند و همچنین با سرمشق قراردادن دستاوردهای انقلابی حزب کمونیست ایران، وظایف انقلابی و کمونیستی خود را به انجام رسانند .

اینک که در سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران (عدالت) قرارداریم میکوشیم مختصراً با نگاهی گذرا به اوضاع ایران در آستانه تشکیل حزب کمونیست ، مسائلی راکه این حزب پر افتخار در دستور کار خود قرارداده و به بررسی آن همت گماشته ودرراه آن گام برداشت ، توضیح دهیم تا ضمن درس آموزی از تجارب حزب کمونیست ایران ، گوشه‌ای از وظایفمان را در رابطه با آشناکردن توده‌های زحمتکش بویژه طبقه کارگر ایران با نهضت کمونیستی ایران انجام داده باشیم .

ایده سوسیالیسم بمثابه یگانه راهبر طبقه کارگر به رهایی از یوغ استعمار و استثمار از همان دوران انقلاب مشروطیت درمیان جوانان مبارز و انقلابی ایران وجود داشته است . این ایده بویژه پس از به پیروزی رسیدن انقلاب کبیر اکتبر و تشکیل نخستین کشور شوراها بیش از پیش پرورش یافته و بخصوص با تأثیر پذیری از دستاوردهای ظفر نمون انقلاب اکتبر ، شکل متجسم و متشکلی بخود گرفت .

استعمار روس وانگلیس و حکومت خودکامه قاجار فشار فزاوانی بر توده‌های مردم وارد آورده و آنها را بیشتر بسوی ایده‌های انقلابی سوق میداد . رهایی میهن از یوغ امپریالیسم ونابودی حکومت ارتجاعی خواست بحق توده‌های ستمکش بوده و موجب میشد تا با تشکل درراه تحقق این خواست گام برداشته شود . از سویی نیز فقر و نابسامانی ، بیکاری و ظلم بیش از حد باعث مهاجرت بسیاری از مردم به روسیه انقلابی شده بود. این امر خود موجب میگردید که با ایده‌های رهایی بخش سوسیالیسم آشنایی یافته وبابهره گیری از آن در صدد یافتن علل وریشه‌های فقر و مسکنت و بیکاری و ... بر آیند. در چنین شرایطی پیگیرترین انقلابیون ایران که در جریان انقلاب مشروطه نیز نقش برجسته‌ای ایفا کرده بودند ، از جمله حیدر عمواوغلی ، غفار زاده و عزیز بگف و..... حزب عدالت را درسال ۱۲۹۶ (۱۹۱۷) پایه گذاری کردند . بهمت این کمونیستها شعبات حزب در ترکستان ، داغستان زنجان ، رشت ، اردبیل ، آستارا بندر انزلی دایر گردید . انقلابیون کمونیست که برای تحقق آرمان طبقه کارگر می رزمیدند ، در رابطه با کمونیستهای روسیه و به کمک آنها به سازماندهی مبارزات کارگران و دهقانان پرداخته و خود دررأس این مبارزات قرار گرفتند و سرانجام در خرداد ۱۲۹۹ هـ ـ ش (۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) با تشکیل اولین کنگره حزب درانزلی حزب عدالت به حزب کمونیست ایران تغییر نام یافته وبرنامه و تاکتیک حزب تدوین گردید . حزب کمونیست ایران اگر چه مدت زمان زیادی دوام نیافت ، امادستاوردهای بسیاری کسب نمود ودر جنبش کارگری ایران نقش بسزایی ایفا کرد ، لذا تجارب فراوان نیز برای نهضت کارگری ـ کمونیستی ایران بجای گذاشت .

حزب کمونیست ایران که با نام کمونیست کبیر حیدر عمواوغلی عجین شده است، تحت رهنمودهای داهیانه رفیق حیدر قادر گردید مارکسیسم ـ لنینیسم را با شرایط کشوری عقب مانده وتحت سلطه چون ایران ، وفق داده ونهضت کارگری را رهبری نماید . اضافه کنیم که حزب کمونیست ایران ازهمان بدو تأسیس خود عضو انترناسیونال سوم (کمینترن) گردید .

مصوبات کنگره اول حزب که به تزهای حیدر معروفند،اوضاع وشرایط ایران را تشریح کرده و طبقه حاکمه ارتجاعی و حامیان امپریالیستی اش رادشمن آزادی واستقلال میهن دانست :

" صاحبان املاک بزرگ درایران طبقه حاکمه راتشکیل میدهند ..... مالکین می فهمند که باسقوط تسلط اشغالگرانه خارجیها تسلط آنهانیز ازبین خواهد رفت ولذا هردودست به انگلیس متوسلند وبانهایت کوشش سعی میکنند که نفوذ خودرا حفظ کنند . هرگونه نهضت انقلابی ، ولو نهضت صرفاً ملی علیه انگلستان ، با مخالفت مالکین و مقاومت مسلحانه آنان مصادف میشود . "

همچنین حزب بدرستی مرحله انقلاب را تعیین کرده وبراین نکته تأکید میکند که انقلاب ایران دمکراتیک و ضد امپریالیستی میباشد :

" انقلاب ایران فقط در شکل نهضت آزادیبخش ملی که هدفش رهاندن خلق از اسارت خارجی وتثبیت استقلال کامل سیاسی واقتصادی ایران باشد ، میتواند بوجود آید ."

حزب سپس با تأکید براین مرحله از انقلاب ، روند و تکامل آنرا بسوی انقلاب سوسیالیستی نیز تعیین میکند:

" فقط در جریان بعدی تکامل انقلاب ... زمانیکه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم خارجی که تقریباً بتمام طبقات تعدی میکند ، مغلوب گردد فقط در اینصورت در جریان تحکیم پیروزی ، مبارزه عمومی ملی خصلت مبارزه طبقاتی بخود میگیرد وطبقات زحمتکش پرچم انقلاب سوسیالیستی را برافراخته وباز سرراه برداشتن سایر طبقات مخالف تا پیروزی نهایی پیش خواهد رفت . "

بقیه درصفحهٔ ۱۵

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

درشصتمین سالگرد ...

بدین ترتیب تزهای رفیق حیدربرعلیه نظرات انحرافی که مرحله انقلاب را سوسیالیستی پنداشته و شعارهای انحرافی را مطرح میساختند ، برخاسته وباتحلیل از مرحله انقلاب واهداف آن ، متحدان طبقه کارگررا تعیین کرده ومسئله تشکیل جبهه واحد ملی را بمثابه وظیفه‌ای که در دستور روز قراردارد طرح مینماید :

" ... حزب کمونیست ایران(عدالت) نزدیکترین وظایف خودرا چنین طرح مینماید : ..... ۲- گرد آوردن همه نیروهای انقلابی کشور در اطراف حزب زیر پرچم نهضت آزادیبخش ملی بر علیه امپریالیستهای خارجی ومبارزه بادولت شاه که به خارجیها فروخته شده است . "

وبر همین پایه است که حزب همکاری با ملیون و احزاب خرده بورژوازی را از نظر دور نداشته و کوشش فراوانی در جهت متحد ساختن همه نیروهای ملی و مترقی بکار برد :

" حزب کمونیست ایران - عدالت - برای بیرون راندن انگلیسها از ایران ضمن همکاری نزدیک با احزاب خرده بورژوازی و با گروهها وسران نهضت نجات بخش ملی از قبیل کوچک خان ، هدفهای نهائی خودرا از نظر دور نخواهد داشت و تمام مساعی خودرا برای برانگیختن آگاهی طبقاتی وتشریح منافع طبقاتی و وظایف دهقانان و مستمندان شهری که باوظایف بورژوازی تمایز خاص دارد ، پیکار خواهد کرد تا پس از پیروزی برامپریالیستهای خارجی توده‌های زحمتکش رابه مبارزه درراه انقلاب اجتماعی ودست یابی به کمونیسم سوق دهد . "

بدین ترتیب تزهای رفیق حیدر ضمن تأکید براتحاد باسایرنیروهای خلقی براستقلال حزب وبه وظایفی که حزب جهت آگاهی طبقاتی زحمتکشان برای رسیدن به اهداف بالاتر یعنی رسیدن به جامعه کمونیستی بعهده دارد، نیز پای فشرد وحزب رااز اینکه به دنباله بورژوازی تبدیل شود بر حذر داشت .

حزب کمونیست ایران تحت هدایت با کفایت رفیق حیدر عمواوغلی " ایجاد نیروهای مسلح انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیستهای خارجی و دولت شاه" رااز جمله وظایف خودبر شمرده وبدین ترتیب باهرگونه نظریه انحرافی که حل مسئله انقلاب رانه از طریق قهر مسلحانه توده‌ها ، بلکه مسالمت آمیز و آشتی جویانه تبلیغ مینمود ، مرزبندی قاطعانه کرد .

حزب کمونیست ایران با تحلیل از مرحله انقلاب ، حل مسئله ارضی رانیز جزو برنامه‌های خود به تصویب رسانید. درهمین رابطه باتمام تأکیدی که کنگره بر روی مسئله دهقانان و بسیج و تشکل آنان داشته و مصادره وتقسیم زمین بین دهقانان را جزو برنامه‌های خود بحساب آورد ، اما انحرافاتی در این مورد به چشم میخورد که تحت رهبری مستقیم رفیق حیدر وبافراخوان کنفرانس وسیعی از کادرهای حزبی در باکو ، ضمن انتقاد به انحراف در رهبری ، تا حدودی از گسترش آن جلوگیری بعمل آمد . مادر "پیکار خلق " شماره ۳۱ در مقاله صدمین سال تولد رفیق حیدر ، در مورد انحرافات حزب دراین زمینه ودربرخورد نادرست به رضاشاه پس ازروی کار آمدنش (که البته این برخورد در کنگره دوم اصلاح گردید) وهمچنین در مورد عدم تأکید حزب برروی رهبری طبقه کارگر درانقلاب وسپردن رهبری بدست خرده بورژوازی ، اشاره کرده‌ایم ودراینجا ازتکرار آن خودداری میکنیم.

حزب کمونیست ایران در نهضت گیلان نقش بسیار فعالی ایفاکرد وکوشید دامنه این نهضت رابه مناطق دیگر گسترش دهد . رفیق حیدر شخصاً رهبری مستقیم فعالیتهای حزب را در رابطه بانهضت گیلان ، برعهده داشت . ارتجاع حاکم باتمام قوابراین بود که نهضت راخفه ساخته واز گسترش آن جلو گیرد . ازسوئی نیز میکوشید تابا فرستادن جاسوسانی بدرون جنبش گیلان (البته درمیان جناح جنگلی‌ها) نهضت رااز درون تخریب و متلاشی کرده و از قدرت متحد انقلابی آن بکاهد. بر اثر سازشکاری وبرخی خیانتهای جناح جنگلی ها ، ارتجاع توانست دراین توطئه وسرکوب نهضت گیلان موفق شود . عمال رضاخان باتحریک کوچک خان ،وی رابرعلیه حزب کمونیست شورانده و جمهوری شورائی گیلان راازهم پاشیدند وباکشتار رهبران کمونیستی نهضت وبهمدستی میرزاکوچک خان وهوادارانش سازمانهای حزب کمونیست رادرگیلان به نابودی کشانیدند .

کنگره دوم حزب درسال ۱۳۰۶ (اواخر ۱۹۲۷) در شهر ارومیه برگزارگردید. حزب با جمعبندی از جنبشهای خراسان، آذربایجان وگیلان بریک امر مهم تأکید ورزید :

" ازهمه این شورشها یک تجربه و درس بدست آمده وآن اینست که این شورشها بدون تهیه زمینه ، بدون تشکیلات منظم وبدون رهبریت وارتباط با فرق انقلابی به ظهور آمده‌اند، حزب کمونیست ایران بایستی باتدابیر قطعی ازظهور همچو اقدامات انفرادی جلوگیری نموده ، همه قوای انقلابی زحمتکشان را که در نقاط مختلف انفراداً مبارزه میکنند ، بیک سیل عمومی انرژی انقلابی متحد نموده ، ارتجاع شاه وانگلیس را محو کرده و حکومت زحمتکشان را مستقرنماید".

کنگره دوم حزب کمونیست ایران یک بار دیگربراین نکته پای فشرد که :

" مهمترین شعارهای حزب کمونیست ایران دراین دوره بایدنابودکردن رژیم سلطنت واستقرار جمهوریت انقلابی باشد " .

این کنگره یک قسمت از بحثهای خودرا به مسئله ملیتها اختصاص داده و در مصوبات خود وظایف حزب رادر رابطه با ملیتها توضیح میدهد :

" در داخل ایران حالیه یک سلسله ملل مختلف (عرب ، ترک، ترکمن کرد و غیره) زندگی میکنند که زحمتکشان آنها در حقیقت از دو طرف زیر فشار استثمار و ظلم واقع شده اند . از یکطرف اشراف و فئودالها و رؤسای ملی خودشان به آنها تعدی و اجحاف نموده و از طرف دیگر فشار و تعدیات سلطنت انگلیس و رضاشاه ایشان را در زیر بار شکنجه خود قرار داده و کمترین مقاومتی

بقیه درصفحه ۱۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

درشصتمین سالگرد...

را از جانب آنها خاموش و خفه میکنند حزب کمونیست ایران باید نسبت به این ملل دقت و توجه کافی بعمل آورده ، تشکیلات خود را در میان توده زحمتکشان این ملل تأسیس و مستحکم نماید . حزب موظف است که بطور کامل و کافی به این ملل بفهماند که حزب کمونیست ایران یگانه طرفدار آزادی کامل ایشان از تحت فشار ظلم سلطنت رضا شاه و انگلیس که سبب اصلی اسارت و مظلومیت زحمتکشان ملل کوچک و بزرگ ایران هستند ، میباشد ."

و در ادامه بر روی وحدت ملیتها در مبارزه تأکید میکند :

" فقط از راه توحید تمام قوا و جدیت کارگران ، دهاقین و مظلومین همه ملل که در سرزمین ایران زندگی میکنند ما میتوانیم به این ارتجاع تیره و اسارت جانفرسا خاتمه دهیم."

کنگره دوم نظرات انحرافی در مورد ارزیابی از رضا خان را مورد انتقاد قرار داده و موضع صحیحی اتخاذ میکند . همچنین قادر گردید ضربات ناشی از تهاجم ارتجاع و دستگیری اعضاء را که در طی سالهای ۱۳۰۵-۱۳۰۴ (۲۶ - ۲۵ ۱۹) رخ داده بود را با سازماندهی مجدد و گرد آوردن بقیه رفقای حزب ترمیم سازد .

پس از کنگره دوم حزب ، کمیته مرکزی حزب دو پلنوم تشکیل داد که یکی در اواخر سال ۱۳۰۸ و دیگری هم در اواخر سال ۱۳۰۹ بود . در این سالها نیز برخی از رهبران حزب از جمله سلطانزاده در خارج از ایران زندگی میکردند . همچنین حزب بوسیله طرفداران خود در برلن و وین دست به انتشار روزنامه های " پیکار" و " ستاره سرخ "زده و به تبلیغ و ترویج ادبیات مارکسیستی همت گماشت . حزب در ارتباط نزدیک با کمینترن قرار داشته و از تجارب و رهنمودهای آن بهره میگرفت .

در این فاصله با آنکه ارتجاع حاکم سخت در صدد سرکوب جنبش کمونیستی کارگری بود ، حزب قادر گردید در نهضت کارگری ایران نقش برجسته ای ایفاء نموده و در اتحادیه های کارگری بطور فعال به تربیت و پرورش کادرهای ورزیده بپردازد. در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) شورای متحده اتحادیه های کارگری به همت کارگران کمونیست تشکیل گردید . این اتحادیه ها در حدود ۸۰۰۰ عضو داشته و زیر نفوذ شدید کمونیستها بود . در رأس این اتحادیه ها ، اتحادیه کارگران مطابع (چاپخانه ها) قرار داشت . این اتحادیه ها در صحنه مبارزات سیاسی کارگران نقش مهمی داشته و میتنگها و مبارزات علنی را سازماندهی میکرد و مبارزه با ارتجاع داخلی و امپریالیسم ، دفاع از حقوق کارگران ، حمایت از نهضتهای انقلابی جهان و پرورش روحیه انترناسیونالیستی را در سر لوحه برنامه های خود قرار داده بود . حزب میکوشید از طریق این اتحادیه ها و با انتشار روزنامه های کارگری آگاهی طبقاتی کارگران را بالا برده و مبارزات آنان را سمت و سو دهد . از جمله روزنامه های اتحادیه های کارگری میتوان از " حقیقت "، "کار" و " اقتصاد " نام برد .

این اتحادیه ها با بین الملل سوم ارتباط داشتند. چنانکه در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) از طرف بین الملل سوم از اتحادیه مرکزی کارگران دعوت شد تا با گسیل یک نماینده از تهران به مسکو در کنفرانس سالیانه ملل شرق (کنفرانس چهارم بین الملل سوم) شرکت نمایند . مرحوم محمد دهگان برای این کار مناسب تشخیص داده شد و وی عازم گردید .

در سال ۱۳۰۴ (سال تاج گذاری رضا شاه)، رضا شاه کوشید تا تحت عنوان شرایط جنگ از فعالیت اتحادیه ها جلو گرفته و آنان را به تعطیلی بکشاند ، لذا رهبران اتحادیه های کارگری را دستگیر و بزندان انداخته در سالهای ۱۳۰۷ (۱۹۲۸)و بعد از آن از سوی حزب کمیسیونی به نام "کمیسیون اتحادیه ها " تشکیل شده و به سازماندهی اتحادیه ها همت گماشت .ازجمله فعالان این کمسیون میتوان از حجازی نام برد . حزب توانست جشن اول ماه مه ۱۳۰۷ را بطرز با شکوهی و با شرکت صدها کارگر از طریق اتحادیه ها برگزار کند . در همین دوران نیز فعالیت جوانان حزب کمونیست در تهران تقریباً زیاد بوده و نشریه ای بنام " بلشویک جوان " تکثیر میگردید . سازمان جوانان حزب در به راه انداختن اعتصابات دانشجوئی نقش بسزائی داشتند . همچنین حزب توانست نفوذ بسیار مختصری در افسران میهن‌پرست نموده و ارتباطاتی بر قرار سازد.

در اواخر سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) حزب توجه زیادی به خراسان نموده و سازماندهی کارگران را به پیش برد. البته بیشتر فعالیت حزب در میان کارگران قالیباف بود که در وضع بسیار بدی میزیستند . در اثر مجاهدتهای فعالین حزب در خراسان ، اتحادیه کارگران قالیباف تشکیل شد که در بعضی از کارگاههای بزرگ نیز شعبه داشت و همچنین جشن اول ماه مه سال ۱۳۰۸؛ و سپس اول ماه مه ۱۳۰۹ بسیار شکوهمند در نزدیکیهای مشهد ، در کوه سنگی بطور مخفی برگزار شد و ضمن سخنرانی و خواندن سرودهای انقلابی ، این روز پر افتخار را ارج نهادند .

کمیته ایالتی خراسان حزب کمونیست ایران ارگان سیاسی تئوریکی بنام " کمونیست " نیز منتشر میساخت فعالیت حزب در خراسان به حدی چشمگیر بود که بزودی ارتجاع برای خنثی کردن آن دست به پیگرد زده وصدها کارگر را به سیاهچالها انداخت . البته فعالیتهای حزب فقط به منطقه خراسان منحصر نمیگردید ، بلکه در دیگر شهرهای ایران نیز فعالیتها ی مشابهی صورت میگرفت . از جمله اینکه در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷)در قزوین " جمعیت نسوان " تشکیل گردید که به امر آگاه ساختن زنان و سازماندهی آنان میپرداخت . در همین زمان نیز در گیلان ، چه در روستاها و چه در شهرها و در میان کارگران ،فعالیت گسترده ای صورت میگرفت اتحادیه های جدیدی از جمله اتحادیه حلبی سازها ، کارگران انبار نفت و کلاه دوزها در رشت بوجود آمد و

بقیه در صفحهٔ ۱۲

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

درشصتمین سالگرد...

در بندر انزلی نیز اتحادیه حمالان، کرجی بانان، کارگران شیلات و حلبی سازان تأسیس گردید. در تبریز نیز اتحادیه صابون پزها و نساجها درسال ۱۳۱۰ بوجود آمد و جشن اول ماه مه نیز در اطراف تبریز بر پا گشت. در اواخر اردیبهشت ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) ۴۰۰تن کارگر کارخانه نساجی "وطن" با کمک و یاری تشکیلات مخفی حزب در اصفهان میتینگی برگزار کرده و خواسته های خود را اعلام داشتند. کارگران بر روی پارچه‌های قرمز شعار های زیر را نوشته بودند "زنده باد تمام کارگرهای ایران" "کارگران جهان متحد شوید" که این شعارها خود ملهم از روحیه همبستگی کارگران ایران با یکدیگر و با طبقه کارگر جهان بود. بر اثر تهاجم ارتجاع تشکیلات رشت و انزلی در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) از هم پاشیده و افراد بسیاری دستگیر و زندانی شدند. رضا شاه پس از هر سرکوبی می‌پنداشت که دیگر میتواند در بستر سکوت کمونیستها و کارگران، بغارت و چپاول خود از زحمتکشان ادامه دهد، اما هر بار با خیزشی دیگر و تشکیلاتی نو در شهر دیگر روبرو میگشت و چون دید که با سرکوبیهای پراکنده قادر به خفه ساختن نهضت کارگری ـ کمونیستی ایران نیست، در پی تشدید خفقان و سرکوب یکپارچه و همه جانبه بر آمد. لذا قانون سیاه ضد کمونیستی ۱۳۱۰ (۱۷ماه مه ۱۹۳۱) را بمجلس برده و در ۲۳ ژوئن همان سال بتصویب رسانید. طبق این قانون میبایستی نهضت کمونیستی به کلی تار و مار شده و کوچکترین حرکت اعتراضی کارگران در نطفه خفه شود. ارتجاع حاکم یورش خود را قانونیت و رسمیت بخشیده و انقلابیون وکمونیستها را تحت "جرم" داشتن مرام اشتراکی روانه زندانها میساخت طی دو سال بیش از ۲۰۰۰ نفر زندانی سیاسی تحت فشار و شکنجه قرار گرفتند آخرین جریان کمونیستی که در آنزمان تا حدودی فعالیت داشته و به همین دلیل نیز تحت پیگرد قرار گرفت گروه پنجاه و سه نفر بود که ارانی از آنجمله است.بدیده ما علت اینکه یورش سبعانه ارتجاع قادر گردید لطمات فراوانی بر پیکره نهضت کمونیستی ایران وارد سازد از جمله این بود که حزب کمونیست ایران در ایام فعالیت خود نتوانست خود را برای مقاومت و ادامه مبارزه درشرایط دیکتاتوری عریان فاشیستی که دیگر هیچگونه امکان کار عملی باقی نمی‌ماند، آماده سازد. حزب اگر چه در برنامه و مصوبات کنگره‌های اول و دوم بر اهمیت جنبش دهقانی و ضرورت کار درمیان دهقانان تکیه داشت، اما در عمل نتوانست پایه های خود را در میان دهقانان گسترش داده تا اینکه در مقابل تهاجم فاشیسم بوسیله جنگ دهقانی مقاومت نموده و میدان مبارزه طبقاتی خالی نگردد.

امروز حزب "توده" خائن بناحق خود را وارث دست آوردهای انقلابی حزب کمونیست ایران میداند و چنین وانمود میسازد که گویا او ادامه دهنده راه حزب و کمونیستهای جانبازش میباشد. اما کیست که فداکاری و از خود گذشتگی کمونیستهای متشکل در حزب و خیانتهای رهبران حزب "توده" را بفراموشی سپرده باشد.

نهضت کارگری ـ کمونیستی ایران از وجود حزب کمونیست ایران و رهبران برجسته ای چون حیدرها بهره ها گرفت و در مقابل از وجود حزب "توده" و رهبرانش لطمات بسیاری را متحمل گشت. کمونیستهای میهن ما موظفند ضمن شناساندن حزب کمونیست ایران به توده ها و طبقه کارگر ایران و ادامه دادن راه آن با تاکید بر روی اصول صحیحی که حزب کمونیست ایران راهنمای عمل خود قرار داده بود، به افشای حزب "توده" که هرگز به چنین اصولی پایبند نبود، همت گماشته ووی را که به ناحق نام پر افتخار طبقه کارگر قهرمان ساز ایران را به دنبال خود به یدک میکشد تا در پناه آن خیانتهای خود را توجیه کرده و سرپوش گذارد، طرد ساخته و از نفوذ رویزیونیسم در درون نهضت کارگری ایران جلو گیرند ✸

دست مرتجعین از...

بنیاد مسکن و .....؟ در این منطقه حدود پنجهزار خانه بدست خود مردم با هزار و یک جور درد سر و آزار و اذیت از طرف پاسداران و مأموران "جمهوری اسلامی"، ساخته شده برای استفاده از برق سیم کشی شده و برای آب لوله کشی شده بدون اینکه کوچکترین توقعی از دستگاهها و مأمورین و مقامهای دولتی داشته باشند، بسیاری از خیابانها شماره گذاری شده و به روی خانه ها پلاک شماره نصب شده و در چند نقطه از منطقه خاک سفید خود مردم برای ساختن مدرسه، درمانگاه و مسجد صندوق تهیه کرده و پول جمع کردند تمام این کارها در واقع بعهده شهرداری و نهادهای دیگر دولتی میباشد. اما از آنجا که دولت کنونی هدفش چیزی جز تحکیم و حفظ سیستم سرمایه داری به ارث برده از رژیم شاه نیست، نه میخواهد و نه میتواند این کارها را انجام دهد. لذا خود مردم تصمیم به انجام آن گرفته و قسمتی از آنها را نیز انجام داده اند. خوب فکر کنید آیا خود این کارها عمل انقلابی نمی‌باشند؟ پس چرا مدام سر کوفت ضد انقلابی را به این مردم ستمدیده میزنند؟ مثلی است که میگوید: شخصی دزدی کرده بود و موقعی که عده ای متوجه او شدند، برای اینکه دستش رو نشود و کسی او را نشناسد خودش نیز همراه جمعیت میدوید و فریاد میزد، آی دزد، آی دزد بگیریدش. این ضرب المثل بدرستی در مورد دولت کنونی صدق میکند. از آنجائی که خودش تا بحال قدمی جز در راه اعمال ضد انقلابی بر نداشته دائما بر سر دیگران فریاد آی ضد انقلابی میزند اما همانطور که آن دزد بالاخره گرفتار شد و به جزایش رسید دولت

بقیه درصفحه ۴

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

دست مرتجعین از...

روزنامه ها خبر میدادیم که بیان عکس و خبر تهیه کنند تا مردم از این کار اونا با خبر بشن .چند دقیقه گذشت و یک ماشین سواری رسید که چهار نفر توی آن بودند و از صحبتهائی که میکردند معلوم بود که خودشان یا پاسدار و یا کمیته چی هستند چونکه میگفتند که اینها تقصیر ندارند بهشون ماموریت دادن که بیان اینجا . و بعد راهش را گرفت و رفت و از قرار معلوم آمده بودند که ببینند اوضاع در چه حال است آیا جمعیت پراکنده شده تا در صورت امکان بشود چند نفر دستگیر کرد یا نه ؟ بعد از پنج دقیقه یک ماشین دیگر پر از افراد کمیته وارد صحنه شد و بعد از چند لحظه دور زد و مسیر آمده را برگشت .

او هم برای اطلاع از اوضاع آمده بود ولی دید که هوا پس است گورش را گم کرد و رفت پس از آن دیگر نه از کمیته چی خبری بود و نه از پاسدار مردم کماکان مشغول لوله کشی برای آب بودند و در گوشه و کنار بحث در گرفته بود.عده ای میگفتند همین حالا چند نفر نماینده انتخاب کنیم و آنها از جلو و بقیه هم از پشت سر راه بیافتیم .یکی سئوال کرد خوب کجا بریم گفت : بریم طرف خونه امام یا یه جائی بریم دیگه . یکی دیگه میگفت نه بهتره روزنامه هارو خبر کنیم و خلاصه هر کس پیشنهادی میداد اما عده زیادی معتقد بودند که میبایست از آنها گروگان میگرفتند در واقع بهترین پیشنهاد همین بود ولی متأسفانه دیگر دیر شده بود چون مزدوران جمهوری اسلامی از مهلکه فرار کرده بودند . پیرمردی میگفت آخه چرا اینها اینطور میکنند چه دشمنی با ما دارند شاه هم همین کارو میکرد . دیگری گفت : " درسته ماموران شهرداری و ساواک شاه هم با بولدوزر خونه‌هارو رو سر مردم بی پناه خراب کردند و از همینجا بود که مردم جلوی اونا وایسادن و بالاخره انقلاب شروع شد حالا هم اینها دارن همون کاررو میکنند و بالاخره هم همین مردم جلوی اینها می‌ایستند . " پیر مرد میگفت :

" آره همون جریان داره تکرار میشه اومدیم سر کانالی که برای لوله آب کنده بودند.چند نفری با خیال آسوده مشغول وصل کردن لوله ها بودند.مردی که حدود سی سال داشت میگفت که

" حالا که رفتن ما هم که لوله رو وصل میکنیم زیادم سخت نباید گرفت باید صبر کرداول خونه ها رو ساختیم حالا هم لوله کشی میکنیم یواش یواش " جوانی در جوابش گفت :

" نه جانم چی چی رو سخت نگیر .اگر ما الان اینجا جمع نمی‌شدیم و اعتراض نمی‌کردیم نمی‌تونستیم لوله کشی کنیم . اگر تو تو خونه‌ات بی خیال بشینی هیچ کس نمیاد در بزنه بگه آقا قربونت برم بیا میخوایم بهت آب لوله کشی بدیم بقول معروف تا بچه گریه نکنه مادرش شیر بهش نمیده بخوره حق گرفتنی است آنه دادنی حقتو باید خودت بگیری ." او گفت

" ما که اومدیم خونه‌رو ساختیم من اصلاً انتظار نداشتم که آب لوله‌کشی داشته باشیم گفتم بالاخره تا ۵ سال دیگه لوله‌کشی هم میشه مانبایدزیاد توقع داشته باشیم ." جوان درجوابش گفت:" ببینم مگه تو انسان نیستی یا اگر هستی بعنوان یک انسان اولین احتیاجات تو مثل‌خونه ، بهداشت وچیزهای دیگه باید فراهم بشه‌تو طوری صحبت میکنی که انگار باید این چیزهارو که حق یک انسان هست گدایی بکنی. مگه تو با اونهایی که اونطرف خاک سفید تو ویلا زندگی میکنن چه فرقی داری اگر تو انسانی پس‌تو هم باید زندگیت تأمین بشه پس‌اگر حقتو ندادن خودت باید بگیری . " یکی میگفت:

" چرا اینا دست‌از سر ما ورنمیدارن اگه سازمان آب عرضه داره خودش‌بیاد لوله‌کشی کنه اگر نه پس‌بگذاره ما خودمون با پول و زحمت‌خودمون این کارو بکنیم".

به هرحال ساعت نزدیک ۳ صبح بود کار لوله‌کشی ادامه داشت و همگی بر این نظر بودند که عده زیادی از جمعیت بایستی اینجا بماند تا کار لوله کشی تمام شود چون در غیر اینصورت دوباره سرو کله پاسدارها پیدا میشه و وقتی ببینند که تعداد کم است روشون زیاد میشه و ممکنه عده‌ای رو با خودشون ببرن و ما نتونیم لوله رو وصل کنیم .

همراه دو زن بطرف پایین خیابان و بطرف خونه‌ها مون برمیگشتیم ،یکی از آنها که مسن‌تر از دیگری بود یک چراغ قوه در دست داشت و خیابان را روشن میکرد چند متر رفته بودیم که یک ماشین از طرف مقابل نزدیک شد زن جوانتر گفت :" مثل اینکه ماشین کمیته است " زن مسن که چراغ‌قوه دستش‌بود نورش‌را بطرف ماشین انداخت و گفت :" کمیته سگ‌کیه؟ پدردیوسگو نو در میارم ، من خودم یه پا کمیته‌ام . بی شرفها ببین چه روزی به سر ما آوردن نصفه شبی من مریض‌باید بچه‌هارو ول کنم بیام بیرون واسه آب . تا کی دیگه باید اسیر باشیم" نزدیکیهای یک کوچه رسیدیم زن‌جوان گفت:" رسیدیم همین جاست خیابون هفتم همینه " زن مسن نور چراغ قوه را انداخت بطرف خیابان و گفت:

" آره خودشه خداحافظ ما رسیدیم خونه اگه تاریکه میخواین باچراغ همراتون بیام ." نه خیلی ممنون شب شما بخیر.

حالا خودتون قضاوت‌کنید آیا این مردم زجر دیده که هم در زمان محمد رضاشاه وهم در این زمان یعنی " جمهوری اسلامی " مورد ستم و سرکوب قرار میگیرند ضد انقلابیند یا مزدوران مسلسل بدست حامیان سیستم سرمایه‌داری که تحت‌لوای " جمهوری اسلامی" مرتکب همان سرکوبها ، همان خانه خراب‌کردنها و همان حمله‌های مغول‌وار شبانه میشوند؟ آیا این مردمی که پس‌از ماهها انتظار و ایستادن در صفهای پشت در کمیته‌ها بنیاد مسکن ، شهرداری،بنیاد "مستضعفین"و پس‌از ثبت‌نامهای مکرر و گرفتن شماره‌های متعدد جهت‌داشتن یک‌خانه هیچ نتیجه‌ای نگرفته و سر انجام خود شروع به ساختن خانه کردند ضد انقلابی اند یا مفت‌خوران متشکل در کمیته ها ،

بقیه در صفحه ۱۲

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

دست مرتجعین از زحمتکشان خاک سفید کوتاه

ساعت در حدود ۲ صبح روز ۵۹/۳/۱۹ است. از فاصله نسبتاً دور صدای الله اکبر بگوش میرسد. (همان بانگ الله اکبری که در زمان رژیم شاه خبر از حمله ارتجاع میداد و مردم را برای مقابله دعوت میکرد. امروز نیز همین بانگ بعنوان یک عامل خبردهی استفاده شده و بازبعنوان خبر از یورش ارتجاع تازه بقدرت رسیده جهت سرکوب زحمتکشان و همچنین دعوت از مردم ستمدیده جهت مقابله با آن، مورد استفاده قرار میگیرد. شاید اگر در آن زمان عامل دیگر مثلاً صدای سوت و یا چیزی شبیه به آن مورد استفاده قرار میگرفت، امروز نیز از همان وسیله استفاده می شد. بهر حال اگر چه امروز بانگ الله اکبر حتما دلیل بر مذهبی بودن حرکت و جنبش نمی باشد، اما بعنوان سنت در بین مردم جا افتاده است و اکثراً از این وسیله آشنا بگوش مردم استفاد میشود.) حدود ده دقیقه فریادهای الله اکبر و هیاهوی زیاد ادامه دارد، ناگهان صدای رگبار مسلسل که در یک لحظه از چند اسلحه حدود ۷۰ تیر شلیک میشود شنیده میشود.

بدنبال آن چند نفری به در خانه ها آمده و ساکنان خانه ها را خبر می‌کنند. این صداها شنیده میشود "مردم خاک سفید همه بیائید به بالای خیابون پاسدارها و کمیته چی ها دو باره هجوم آوردند". از هر خانه چند نفری سراسیمه بیرون می‌آیند. زنها و مرد های ستمدیده وحتی کودکان پا به پای هم بطرف بالای خیابان میروند.

به محل میرسیم جمعیتی حدود ۲۰۰۰ نفر دور یک ماشین حلقه زده اند. قدری آن طرف تر عده ای مشغول وصل کردن لوله آب خیابان به لوله سراسری میباشند. نزدیک ماشین که در محاصره مردم است میرویم. یک ماشین استیشن که پنج نفر در آن مسلسل بدست با صورتهای رنگ پریده نشسته اند. قبلاً از اطرافیان پرس و جو میشود که جریان از چه قرار است گفته میشود که "بازم این پاسدارا ریختند سرما مردم بیچاره و نمیکذارند لوله کشی کنیم. چهار پنج نفری را گرفته بودند میخواستند با خودشون ببرند اما نذاشتیم. ما با هم اتحاد داریم و دیگه نمیذاریم مارو اذیت کنن، اگه قرار باشد هر دفه بیان عده ای رو دستگیر کنن ببرن دیگه کسی اینجا باقی نمی‌مونه و فردا پس فردا میان خونه‌هارو رو سرمون خراب میکنن". دیگری میگفت "زنده باد مردم خاک سفید واقعاً که اتحاد خوبی داریم".

در اطراف ماشین چند نفری که نزدیکتر به ماشین بودند هر کدام شروع به صحبت با "پاسداران" که توی ماشین نشسته بودند و از ترس رنگشونرا باخته بودند، کردند. از همه بهتر صحبتهای جوانی بود که حدود ۲۰ سال داشت و با چهره ای خشم آلود فریاد خود را سر این جیره بگیران "جمهوری اسلامی" خالی میکرد. او پرسید که چرا تیر اندازی کردید و نصفه شبی زن و بچه مردم رو از خونه ها کشیدین بیرون یکی از پاسدارها میگفت که ما تیر اندازی نکردیم و آمدیم ببینیم چه کسی تیر اندازی کرده! یکی از میان جمعیت گفت مگر کسی دیگر غیر از شماها اسلحه داره ما که تیر اندازی نکردیم چونکه اسلحه نداریم و پس خود شماها تیر اندازی کردین. جوان ۲۰ ساله با خشم فراوان میگفت حالا که شماها میگین تیر اندازی نکردین پس اونکه تیر اندازی کرده دیوس و پوفیوز بوده. ما از این تیر اندازی نمیترسیم خود ما مردم بودیم که اسلحه‌هارو از ارتش گرفتیم دادیم دست شماها اگه بخواین باز هم مزاحم ما بشین بالاخره آخرش خود ما شما هارو میکشیم همین مردم بالاخره شماهارو میکشن یکی از پاسدارها با قیافه "مظلوم" میگفت که: بما خبر دادن که تیر اندازی شده ما اومدیم ببینیم کی تیراندازی کرده. در همین موقع مرد میانسالی گفت: شماها از ساواکیها هم بدترید اصلاً این کار ساواکه ساواکیها خودشون پاسدار و مامور کمیته شدن. ساواک اصلاً اینطور وحشیگری نمیکرد شماها کندشو در آور دین، شماها از شمر و یزید هم که به امام حسین آب ندادند بدترید. پاسدارهائی که تو ماشین در محاصره مردم ستمدیده و زحمتکش بودند حالا دیگه جرات عربده کشی و گردن کلفتی

بقیه در صفحه ۸

پیش بسوی وحدت مارکسیست ـ لنینیستها

www.peykar.org